مطبع مصطفائی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله القريب برحمته * والبعيد بعزته * والصلوة على نبيه الداعي الى توحيده * والنادي لتسبيحه وتمجيده * وعلى آله واصحابه المتحذين باوصافه وآدابه * امابعد غبار نعلین اصغر حسین بن غلام غوث احسن الله حالهما وجعل الى الخير مآلهما * نوا دید ذهول طلبه از تحصیل علوم غریبه ووهن ومعطل شان در اقتناء فنون عجیبه خواست که رسائل چند دلپذیر عربی السنه دیگر که از فقدان قدر دانان درین دیار حکم کاغذ توتیا پیدا کرده اند بزبان پارسی که سهل است مترجم نموده کحل الجواهر دیده بصیرت سازد لاجرم رساله ارسطوطالیس فیلسوف را که در زبان یونانی سوالاتی چند در علم طبیعی وطب است وترجمه آن رساله موسوم بباب الح در لسان عربی

... [illegible] فارسی ترجمه [illegible] تحفه ... مطارحات طبعیه

یونانی است یافتم ترجمه موسوم فالله الموفق والمعین وهو حسبی
ونعم الوکیل سوال چرا بچه اکثر حیوانات دیگر سوای انسان از وقت
پیدایش بر زمین میرود و نشستی میکند و حال بچه آدمی چنین نیست جواب
گرمی و سردی در جمیع اعضای حیوانات برابر است لیکن در دماغ کودکان
سردی بر گرمی غالب است برای آنکه دماغ سرد و تر مخلوق شده تا انچه
از تخیلات دران منطبع شود بسهولت قبول کند و در عصب کودکی رطوبات
فضلیه می باشد و رطوبات از حرارت اثقل است لاجرم مجال حرکت
نمی یابد از انکه ابتدای حرکت از دماغ است پس هرگاه کبیر می شود باوجود
حکیم علی الاطلاق ناشی فی ناهض میگردد و همچنین است حال اکثر طیور که
بچه های آنها طاقت رفتار ندارند سوال مغموم چرا می گرید جواب
غم مرض روحانی است و بسبب الم روح منقبض و غائر میشود در داخل
پس هرگاه در حالت انقباض باز بسوی دماغ می گردد چیزی از رطوبات
معصوره بر می آید سوال تشنه چون بحمام رسد چرا تشنگی او فرو می شود
و کسیکه تشنگی نداشته باشد چون بحمام رسد تشنه می گردد جواب

روح زیاده و الطف و صافی تر است بنا برین اول افساد هوا سرایت
در چشم. سوال خصیتین وقت موت چرا متقلص و سبک میشوند
جواب بادرده و اعصاب که از انها روح منجذب میشود وقت موت
متقلص و سبک میشوند پس انثیین نیز که بآن متعلق اند نیز متقلص میگردند
سوال چرا وقت موت منی خارج می گردد جواب اوعیه منی متقلص
و ضیق میشوند ازینجهت انصباب منی می گردد سوال چرا مستسقی
باوجودی که شکم وی از آب ممتلی است پیوسته آب می طلبد جواب
آبی که مستسقی می نوشد در مجاری که آنجا حاجت آب است نافذ نمی گردد
بر مجرای طبیعی بلکه جائی که ضرورت آب نیست منتشر می باشد لهذا مستسقی
را عطش عارض می باشد چنانکه تشنه را است سوال صاحب تشنج بعد عروض
تپ چرا صحیح میگردد جواب بسبب انصباب رطوبات فضلیه بر اعصاب تشنج
عارض میگردد و حرارت تپ تحلیل آن رطوبات می نماید ازین رو صحیح
می گردد سوال در حمی دوری قشعریره چرا عارض می شود جواب حرارت
طبیعی بسبب هرب از خلط موذی متوجه داخل می شود لاجرم اعضای
خارجیه سرد می شوند سوال اکثر بعد بول از راه مثانه ریح چرا خارج
میگردد جواب بسبب امتلای مثانه بمجاری مستقیم که محاذی تحت
اوست بند می شود چون مثانه خالی شد منفذ وسیع و کشاده می گردد

پس بول از راه مثانه ببوی خارج می آید سوال موضع بهق ابیض از خلانیدن

سوزن چرا خون [illegible] بسبب غلظ بلغم

[illegible] م سپیدی او حلول می کند

[illegible] ب جی که بعد حمی باشد چرا مهلک است جواب تشنجی که بعد حمی

بود از یبوست است و تشنج مرضی است که اصلاح پذیر نیست چون یبوست

پیران سوال زخمهای مفاصل چرا نشو و مندمل نمیشوند جواب

اندمال از گوشت می شود و لحم در مفاصل کم است و نیز در مفاصل عصبها

و غضاریف و استخوان اند پس تا وقتیکه اینها حرکت کنند اتصالات مفاصل

صورت نمی بندد لاجرم مندمل نمی شوند سوال کسیکه در دماغ یا اعصاب

او صدمه رسد چرا با حلق قی می کند جواب معده بسبب مشارکت

عصب متألم می شود سوال چرا مردان از جماع ضعیف می شوند

برخلاف زنان جواب مردان را بسبب جماع استفراغ ماده

بضرورت می شود و زنان را بغیر ضرورت بلکه خود زیادت ماده مقتضی

استفراغ می باشد سوال سبب شبنم چیست جواب بخارات لطیف

که از بحار متصاعد میشوند آب گردیده باز می آیند سوال چرا اسافل

اکثر اهل حبش لاغر می باشد جواب رطوبتی که در اجسام آنها است

بسبب شدت حرارت شمس بسوی فوق منجذب میشود لاجرم اسافل

ایشان لاغر ... چرا زنان را شهوت جماع در سرما
[مر]دان را
بسبب فساد مسامات ...
خارجی و در گرما حرارت غریزیه پراگنده می شود و بسوی [بیرون]
می آید و آلات تناسل مردان خارج اند ازین سبب در گرما خواهش جماع
دارند و آلات تناسل زنان درون داخل اند ازینجهت در سرما خواهش جماع
میکنند سوال برف با وجود برودت چرا می سوزد جواب برف بسبب
افراط برودت قوی را فاسد می سازد سوال کسیکه اختلاط ذهن داشته
باشد نبض او چرا صغیر می شود و کسیکه علت سهر داشته باشد نبض او
عظیم می گردد جواب اختلاط ذهن بسبب مرهٔ صفرا یا سودا است و این
اختلاط شریانات را صلب و یابس میکند و شریان صلب از انبساط
عظیم قاصر است و سهر نمی شود مگر از بلغم و بلغم بسبب رطوبت خود شریان
را ملائم و سست می کند و این معنی موجب انبساط عظیم است و هم سهر
در بعض دماغ می باشد و از نشان او تمدد است و اختلاط ذهن اکثر بسبب
ورم اغشیه عارض می گردد لهذا مستلزم تمدد است و تمدد موجب
صلابت و صغر نبض است سوال کسیکه ران او مقطوع شود چرا
گاهی ستبر می شود و گاهی نی جواب در عمق سرین رباطی است

که از آن ... وط است آنکه رباطش قطع نمی شود پای او درست
می گردد ... [illegible] درست نمی شود سوال چرا سائر رطوبات
از طبخ غلیظ می شوند و آب غلیظ نمی شود جواب سائر رطوبات مختلط
و مرکب اند از جوهر ارضی که آن یابس است و آب بسیط است مختلط
از جوهر ارضی نیست و اگر هست اندکی است یعنی رطوبات از طبخ حرارت
بسبب لطافت مستحیل بهوا می شود و غلیظ باقی می ماند و آب منعقد میگردد
و در آب اجزای متساوی اند لهذا منعقد نمی شوند سوال چرا
آب صافی و لطیف از طبخ غلیظ می شود و آب غلیظ لطیف می گردد
جواب در طبخ بار لطیف شئی الطف که در و است به تحلیل می رود
لاجرم ما بقی قلیل اللطافة می باشد و در آب غلیظ اجزاء ارضیه آن
بسبب حرارت منقطع و منفصل میشوند ازین سبب آب صافی میگردد
سوال کسیکه جسم او را آتش بسوزد زخمش بدیر صحیح میشود جواب
لحم که سوء مزاج از نار حاصل میکند مشتاق به تبرید و تلطیف ... میشود
و بسبب شدت وجع در قرحه رطوبات فضلیه جمع میشوند و محتاج میشوند
بسوی تجفیف پس اجتماع متنافیین میشود ازین سبب صحت آن
دشوار می گردد سوال صاحب طحال را اطعام ناگوار چرا می شود
جواب در طحال شریانات بسیار اند و شریانات جا داند وقتیکه طحال

مسلوب تحجیر شده پس آب به تبرید معده خواهد کرد که سبب مرض بارد است

بسبب او سوء هضم می‌شود [illegible] استعمال

میکنند نه [illegible] ریح که

بدون اندمال مندمل نمی‌شود بلکه بسبب چشم عضوی است رطب که جلد
غلیظ کثیف مجلد آن نیست چنانکه در دیگر اجسام هست پس بسبب رطوبت اجزای مفرقه بآسانی
کثیره مجتمع می‌شوند بهیئت محتاج به تنقیه جلا هستند و بسبب اینکه محاط بجلد غلیظ کثیف
نیستند محتاج بادویه مندمله نیستند سوال ماهی در آب زنده می‌باشد چون بهوا آید می‌میرد
جواب مزاج دل ماهی سرد است پس محتاج بسوی جذب هوا بکثرت
نیست و در دریا بسبب غلظت آب هوای قلیل مستنشق می‌شود پس
چون ماهی در هوا رسید هوای بارد کثیر استنشاق خواهد کرد و این معنی
موجب مرگ او خواهد بود سوال دست راست از دست چپ چرا
قوی تر و جسیم تر می‌باشد جواب حرکت دست راست کثیر است
به نسبت حرکت دست چپ و کثیر الحرکت غذای کثیر قبول میکند و
این معنی موجب فربهی و نمو و اقطار می‌گردد سوال بار ثقیل
چرا بر دوش چپ زیاده نهاده میشود به نسبت دوش راست جواب
جانب چپ بسبب قلت حرکت متحمل بار قوی میتواند شد چرا که بسبب
قلت حرکت از اعصاب او رطوبت کم فنا گردیده است ازین سبب قوی

نمیباشد سوال بعد خوردن لقمه کلان چرا ہچکی عارض می شود جواب
در حالت بلع ہوا از خارج بہ لطافت اول منحدر می گردد و ہر گاہ
در معده نازل شود ہوا میل بکرد خود نموده بالا بر آمدن می خواہد و راہ
نمی یابد بسبب کلانی لقمه پس طبیعت کوشش می نماید که او را براند لیکن
نمیشود این معنی موجب ہچکی میگردد سوال ہچکی از حبس نفس چرا دفع میگردد جواب
نفس چون محتبس شد در قلب کثرت حرارت خواہد گردید و آن معنی موجب
سخونت معده خواہد شد پس بسبب ہچکی زائل خواہد شد سوال
چرا آب چاه در سرما گرم و در گرما سرد می باشد جواب بسبب
برودت سرما حرارت گریخته بعمق زمین می رود و در گرما بسوی خارج
میل کند و عمق آن ناپدید می گردد سوال چون برد اطراف از برودت
خارجیه باشد وقت رسیدن بگرمی آتش چرا ستاذی میشود جواب
در زمانه متصل سوء مزاج مختلف بہم میرسد چنانکه بعض اجزا بارد و بعض
ابرد را حار میرسد و اختلاف مزاج موجب وجع و ایذا است سوال
در ہیچ حالت خاصه سیخ ناخن چرا وجع محسوس میشود جواب چون
انگشتان را بعد شدت برودت از آتش گرم می کنند پس وجع بسبب
تفرق اجزا می میشود پس بعضی اجزا یعنی حار منبسط میشوند و
بعض اجزا یعنی بارد منقبض میگردند و حس لمع در شیٔ لین کما ینجلی

منفصل شود کم بهت از حس و جع که بسوی شیئی صلب مثل ناخن وغیره
نیز رسد سوال چرا بعض مردمان را از خوردن فلفل ہکہک عارض
میگردد و بعضی را عارض نمیگردد جواب بعضی اشخاص
حار می باشد پس حرارت فلفل بہیجان آن حرارت می کند پس طبیعت
از دفع آن قاصر میشود لاجرم مورث ہکہک می گردد و بعضی
مملو از فضلات بلغمیه است پس آنرا از فلفل ایذا نمی رسد سوال چرا
بعض از نباتات در گرما و بعضی در سرما و جملگی نباتات در ربیع پیدا میشود
جواب غذای نباتات در اسافل زمین و در اعالی هوا است و نباتات
که غلیظ و یابس باشند غذای او نیز اغلظ و ایبس می باشد و ظاهر که در
گرما زمین مرطوب اغلظ و ایبس میگردد لاجرم این قسم نباتات در
گرما می رویند و نباتات که الطف و ارطب اند غذای آن هم ارطب و
الطف است و در موسم سرما زمین و هوا هر دو الطف و ارطب است
لهذا در سرما اینچنین نباتات اکثر می شوند و در ربیع جمیع نباتات
می رویند چرا که هوا رطب و زمین معتدل در حرارت و برودت است
لاجرم نباتات هر قسم خصوصاً معتدله دران زمان میرویند ✤ ✤
تم الکتاب بعون الملک الوهاب ✤ والمرجو من رب الارباب ✤
ان یکون هذه الوجیزة مجموعاً عند اولی الالباب ✤ ومن یتق کل علی

تمام شد این کتاب بلاد بادشاه بخشنده امیدوار از خدای خداوند تعالی آنست که شود این مختصر مطبوع نزد اصحاب عقل و کسیکه کار خود را بگذارد

الله فهو حسبه * ونعم الو[illegible] [illegible] انا ان الحمد لله رب العلمین

[illegible] اتی بنعت قدسی آیات

[illegible] طاهرین و اصحابه الراشدین

میگوید بنده پر عصیان محمد مصطفی خان ابن حاجی محمد روشن خان رحمه الله
فی الجنان که رساله سوال و جواب طبیه از افادات جامع معقول و منقول حاوی
فروع و اصول قدوه حکمای روزگار و زبده اطبای اعتبار مولوی حکیم
اصغر حسین حفظه الله آماله فی النشاتین محض بپاس خاطر عاطر شان که در باب
طبعش با راقم اکثر تحریک رسل و رسائل می بودند و بتخصیص درین خصوص جهد
تام و مبالغه مالا کلام میفرمودند در مطبع مصطفائی واقع بیت السلطنت لکهنو محله
مجموعی نگر قریب اکبری دروازه بتاریخ بیستم ماه ربیع الاول عمت برکاته بین اهل العلم
والعمل سنه ۱۲ هجری بحلیه طبع رسید مثنوی تاریخ صوری و معنوی طبع زاد میر ناصر علی نصیر سلمه الله القدیر

طب این نسخه چون مطبوع گردید	بمطبع کاملان مطبوع گردید
بصورت گر سوال با جواب اند	بمعنی بی مثال و لا جواب اند
شدم در فکر هاتف گفت فی الحال	هزار و دو صد و شصت آمده سال

قطعه تاریخ دیگر از برادر عبد الرحمن خان ذاقه الله حلاوة تکمیل الایمان

این چند سوال با جوابش	شد طبع که نافع طبیب است
تاریخ ندیده روی امراض	دل گفت که نسخه عجیب است

خدای تعالی پس خدای بس است اورا و بهتر وکیل ... آخر دعوای ما یعنی الحمد ... ثابت ... مر خدای را که پروردگار عالمها است ۱۲